

مسئولیت مدنی ناشی از تفویض فرصت در امور پزشکی در نظام حقوقی ایران

هادی رحیمی ریگی^۱، مرتضی صادقی ده صحرای^۲، داوود بزرگمهر^۳

۱. گروه حقوق، واحد بروجن، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجن، ایران.

۲. عضو هیئت علمی گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق، واحد بروجن، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجن، ایران.

چکیده

موضوع پایان نامه حاضر مسئولیت مدنی ناشی از تفویض فرصت در امور پزشکی در نظام حقوقی ایران می‌باشد. نظریه «از دست دادن فرصت» در صدد جبران خسارتی است که در نتیجه فوت شدن فرصت، بدست آوردن نفعی یا اجتناب از ضرری به افراد وارد می‌شود. راجع به قابل مطالبه بودن خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» رویه‌های مختلفی است. در حقوق ایران نه قانون گذار و نه رویه قضایی گامی در جهت رسمیت شناختن این نظریه بر نداشته است. با این حال شاید بتوان به کمک قواعد فقهی از جمله (قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام) در فقه اسلامی و با استناد جستن به برخی از مواد قانون مسئولیت مدنی؛ قائل به امکان جریان این نظریه در مسئولیت مدنی، در حقوق ایران شد. در عین حال، باید توجه داشت که حتی اگر مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» به لحاظ تحلیل حقوقی با موانعی مواجه نباشد. موانع اجرای صحیح و ضابطه مند آن در نظام قضایی ایران همچنان نگران کننده به نظر می‌رسد. طرح این مسئله در مسئولیت مدنی در حقوق ایران، یک موضوع تازه‌ای است. پذیرش مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته»، هر چند عادلانه به نظر می‌رسد. در عین حال پذیرش آن در حقوق ایران با مشکلاتی مواجه است. در صورتی که موضوع «فرصت از دست رفته» را در فقه اسلامی بپذیریم. از آنجا که با عدل و انصاف هم سازگاری دارد. پذیرش این موضوع در حقوق موضوعه کشور بلااشکال قانونی است

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، تفویض فرصت، تحصیل منفعت نهایی، اجتناب از ضرر نهایی، خطای پزشکی، امور پزشکی و نظام حقوقی ایران

مقدمه

پزشکان ملزم به نظامات طبی و پرهیز از امور خلاف شأن و حیثیت پزشکی می‌باشند. ماده ۱۴ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته مصوب ۱۳۸۷/۴/۳۰ هیات وزیران می‌گوید: جذب بیمار، به صورتی که مخالف شئون پزشکی باشد؛ همچنین، هر نوع تبلیغ گمراه کننده از طریق رسانه‌های گروهی و نصب آگهی در اماکن و معابر، خارج از ضوابط نظام پزشکی، ممنوع است. دعوی مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده و در حد امکان اعاده وضع او به حالت اولیه قبل از وقوع ضرر است. بدین ترتیب برای پذیرش چنین دعوی خواهان باید اولاً وجود ضرر را به عنوان رکن اصلی اثبات نماید، ثانیاً ثابت کند که بین فعل زیان بار خوانده و ضرر ایجاد شده، رابطه سببیت وجود دارد. به علاوه در برخی موارد تقصیر خوانده هم شرط ایجاد مسئولیت است که باید احراز گردد ولی چون مسئولیت های بدون تقصیر هم زیاد می باشد به ویژه در مورد مسئولیت های ناشی از اتلاف (م. ۳۲۸ ق. م)، این شرط عمومیت ندارد و در برخی موارد بدون تقصیر هم مسئولیت ایجاد می شود. ولی دو شرط اولی در تمام دعوی مسئولیت مدنی لازمند و باید از طرف زیان دیده به عنوان خواهان دعوی ثابت گردند و الا دعوی او رد میشود ولی مواردی پیش می آید که تقصیر خوانده به نوعی در ایجاد ضرر مؤثر می باشد و وقوع آن را تسهیل می کند ولی نمی توان گفت که تقصیر او سبب وقوع زیان بوده است و یا دست کم شرط لازم آن می باشد، زیرا نمی توان به طور قطع ادعا نمود که هر گاه تقصیر وی نبوده، ضرر هم واقع نمی شد، در حالی که معنای سببیت چنین اقتضایی دارد یعنی عدم آن موجب عدم وجود مسبب می گردد مثلاً مالک اسبی در یک مسابقه اسب دوانی ثبت نام می کند و با کامیونی عازم محل برگزاری مسابقه می شود در اثر تقصیر راننده، کامیون واژگون می شود و او دیر به محل مسابقه می رسد و از شرکت در مسابقه محروم می شود در نتیجه فرصت و شانس برنده شدن جایزه را از دست می دهد. و یا در اثر تقصیر وکیل و عدم ارائه به موقع دادخواست تجدید نظر وقت تجدید نظر خواهی از بین می رود و رأی قطعی می شود و بدین ترتیب موکل او فرصت تجدید نظر خواهی و در نتیجه شانس نقض حکم را از دست می دهد و یا در اثر تقصیر پزشک و عدم تشخیص دقیق و به موقع نوع بیماری، مریض فرصت معالجه و درمان و در نتیجه امکان بهبودی و زنده ماندن را از دست می دهد در تمام این موارد نمی توان به طور قطع گفت که تقصیر خوانده سبب وقوع زیان نهایی بوده است. در مثال نمی توان ادعا کرد که هرگاه متصدی حمل یا راننده کامیون مرتکب تقصیر نمی شد و اسب سوار در مسابقه شرکت می کرد، حتماً برنده می شد و جایزه را تملک می کرد، بلکه اگر در مسابقه هم شرکت می کرد، احتمال برنده شدن او وجود داشت و احتمال هم داشت که برنده نشود.

اگر چنین قطع و یقینی وجود می داشت و برنده شدن وی حتمی می بود، متصدی حمل بی شک مسئول بود زیرا وی باعث از بین رفتن نفعی شده که به طور قطع قابل تحصیل بوده است و عدم النفع مسلم هم

ضروری است مسلم و قابل جبران در سیستم حقوقی ایران و همین طور نظام حقوقی کامن لو هیچ قاعده یا اصلی که مستقیماً مخصوص مسئولیت مدنی پزشک در رابطه با بیمار باشد، وجود ندارد.

بیان مساله

هر دو جا مسئولیت مدنی پزشک نسبت به بیمار تحت قواعد عمومی مسئولیت مدنی قرار دارد. پزشکان براساس قواعد کلی در مورد جنبه‌های دارویی، درمانی و پزشکی عملکردهای حرفه ای خود مسئول می‌باشند. به طور کلی مسئولیت مدنی ناشی از بی مبالائی اشخاص است و می دانیم که در حقوق ایران اصل براین است که نظریه مبنای مسئولیت مدنی می باشد و سایر نظریه های ابراز شده در این مورد را باید به عنوان استثنائی بر این اصل تلقی کرد. منظور از تقصیر در این بحث تقصیری است که پزشک در اجرای کاری که به عنوان حرفه انجام می دهد، مرتکب می شود. نکته مهمی که باید در تقصیر پزشکان و یا سایر اشخاصی که از فنون و مهارت های ویژه ای برخوردارند، در نظر داشت تفاوت معیار تمیز آن است: در امور فنی و تخصصی نمی توان رفتار انسان متعارف را به عنوان معیار تمیز خطا از صواب پذیرفت؛ داوری عرف که به طور معمول به باری ذوق و اعتبار آن تردید کرد؛ به ویژه از انسانی که با مفاهیم علمی و قواعد فنی ویژه خود گرفته است نمی توان انتظار داشت که در واکنش های خود بسان مردم عادی باشد، اجتماع نیز از این انتظار طرفی نمی بندد زیرا به منزله انکار علم و ضرورت های تمدن است. بنابراین برای تمیز تقصیر پزشک باید رفتار یک پزشک متعارف و محتاط را معیار قرار داد مسئله ای که مطرح می شود این است که آیا تقصیر پزشک ناشی از قرارداد است یا قانون؟ به عبارت دیگر آیا مسئولیت پزشک یک مسئولیت قراردادی است و یا مسئولیت قهری است و قواعد عمومی ضمان قهری بر آن حکومت دارد؟ اشکال از آنجا ناشی می شود که به حکم قانون نیز پزشک موظف به رعایت نظام های شغلی خود می باشد پس اگر پزشک تخلف کند باید دید که آیا مفاد قرارداد خود با بیمار را نادیده گرفته است یا حکم قانون را؟ به طور کلی در صورت وجود قرارداد، این تقصیرها را قراردادی محسوب می نمایند. در فرض مورد بحث ما امکان استناد والدین طفل به قرارداد فی مابین آنها و پزشک وجود دارد و مانعی ندارد که مسئولیت پزشک نسبت به طفل بر اساس شروط قراردادی پدر و مادر با پزشک توجیه شود ولی در مورد خود طفل و ادعای دوران حیات جنینی، هیچ قراردادی بین پزشک و طفل وجود ندارد و تنها رابطه بین طفل و پزشک این بوده است که مادر وی بیمار پزشک بوده است؛ بنابراین مسئولیت مدنی پزشک در این مورد تابع قواعد ضمان قهری و مسئولیت غیر قراردادی می باشد.

به نظر می رسد با پذیرش نظریه «از دست دادن فرصت» بتوان با استناد به قواعد کلی و عمومی حقوق و همچنین قاعده لاضرر و برخی از اصول قانون اساسی با طرح دعوی در محاکم دادگستری از حقوق فرصت از دست رفته خواهان، دفاع کرد. در این تحقیق به سئوالات زیر پاسخ داده می شود:

مسئولیت مدنی ناشی از تقویت فرصت در امور پزشکی در نظام حقوقی ایران چگونه است؟

ایا از مبانی حقوق اسلامی مانند اصول استنباط حقوق اسلامی و قواعد فقه در تدوین قوانین مربوط به «تفویت فرصت» استفاده کرد؟

آیا از نظریه های خطر و تقصیر و تضمین حق در خصوص مسئولیت مدنی توان در بخش «تفویت فرصت» استفاده نمود؟

چنانچه بیمار به دلیل تشخیص و معاینات اشتباه و ناشی از تقصیر و تسبیب و یا ایجاد خطر پزشک، متحمل خسارت مادی و معنوی شود. بایست بینی نظریه «تفویت فرصت» می توان جبران خسارت نمود؟

اهداف تحقیق

از آنجا که پژوهش علمی با ظهور مسئله یا مجهولی در ذهن محقق شروع می شود، هدف اصلی تحقیق علمی را باید معلوم کردن آن مجهول و به عبارتی حل مسئله و پاسخ یافتن برای آن دانست؛ اما اهداف علمی یک هدف اولیه و یک هدف غایی دارد، هدف اولیه محقق روشن کردن مسئله خاصی است که با آن روبرو شده است، ولی هدف غایی او دستیابی به معلوم کلی و به عبارتی قضایای علمی کلی است که خصلتی جهانشمول دارد.

هدف اصلی

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در نظام حقوقی ایران.

اهداف فرعی

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه و قواعد فقه

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در نظریه های خطر و تقصیر و تضمین حق

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در تشخیص و معاینات اشتباه و ناشی از تقصیر و تسبیب و یا ایجاد خطر پزشک متحمل خسارت مادی.

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در نظریه خطر و تقصیر مسئولیت کیفری و مدنی قضات محترم.

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در اشخاص ثالث اعم از حقیقی و حقوقی بدون اشتباه و رابطه حقوقی

– بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تفویت فرصت در امور پزشکی در رابطه حقوقی صرفاً از باب فعل و یا ترک فعل زیانبار مسئول «تفویت فرصت» ترک نجات جان

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی ۱: مسئولیت مدنی ناشی از تفویض فرصت در امور پزشکی در نظام حقوقی ایران قابل بررسی است.

فرضیه های فرعی

- از نظریه های خطر و تقصیر و تضمین حق، هر کدام در بخشی از موارد مسئولیت مدنی به طور جداگانه بنا به ضرورت در بحث «تفویض فرصت» می توان استفاده کرد.
- به نظر میرسد چنانچه بیمار به دلیل تشخیص و معاینات اشتباه و ناشی از تقصیر و تسبیب و یا ایجاد خطر پزشک متحمل خسارت مادی و معنوی شود. بآپیش بینی نظریه «تفویض فرصت» می توان جبران خسارت کرد.
- با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در باب نظریه خطر و تقصیر و پذیرش مسئولیت کیفری و مدنی قضات می توان از این شاخص برای سایر حُرَف نیز استفاده کرد.
- به نظر میرسد از مبانی حقوقی مانند اصول استنباط حقوق اسلامی و قواعد فقه می توان در تدوین قوانین مربوط به «تفویض فرصت» استفاده کرد.

پیشینه تحقیق

سید جعفر هاشمی باجگانی (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته به نتایج زیر دست یافت: گاهی در اثر تقصیر دیگری، «شخص» فرصت تحصیل منفعت و یا اجتناب از ضرر آینده را از دست می دهد، به طوری که صرف از دست دادن فرصت، ضرر مستقل محسوب شده و عدم جبران چنین فرصت از دست رفته ای تآلی فاسد داشته و برخلاف انصاف بوده و موجب افزایش سایر اعمال تقصیرآمیز می شود که جبران آن سبب بازدارندگی از تکرار چنین اعمالی می شود. از دست دادن فرصت هم در امور مسئولیت مدنی و هم در امور قراردادی مطرح می شود که هریک از این موارد (مسئولیت مدنی و قراردادی) خود می تواند به صورت اجتناب از ضرر یا کسب منفعت مصداق پیدا کند.

وزیری (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی فقهی-حقوقی مسئولیت مدنی دانشجویان پرستاری به نتایج زیر دست یافت: امروزه نقش منحصر به فرد پرستار در نظام ارائه خدمات بهداشتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. با توسعه نقش پرستاران به عنوان ارائه کننده ی خدمات بهداشتی، آنها در قبال اعمال خود مسئولیت بیشتری را می یابند. ارتقاء مسئولیت و آگاهی و دانش پرستار به منظور بهبود ارائه خدمات درمانی، ضرورت کسب آموزش های علمی و مهارتی دقیق تر و بیشتری را طلب می نماید.

فلاح (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی پرستاران در حقوق ایران و فرانسه به نتایج زیر دست یافت: هدف اصلی و غایی حرفه پرستاری، تأمین بهبودی و سلامت افراد تحت مراقبت است و به دلیل ارتباط مستقیم پرستاران با بیمار، این حرفه از اهمیت خاصی برخوردار است.

حسن شم آبادی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان مسئولیت مدنی تفویض فرصت در حقوق ایران به بررسی مسائل زیر پرداخت: مسئولیت مدنی تفویض فرصت (شانس) به این دلیل مواجه با تردید است که در تفویض فرصت کسب نفع ضرر بودن آنچه تفویض شده است و در تفویض فرصت اجتناب از زیان، وجود رابطه سببیت بین خواننده و زیان حاصل مورد تردید است؛ در حقوق غرب برای توجیه مسئولیت مدنی تفویض فرصت استدلال های متعددی ارائه شده است و در حقوق موضوعه کشورهای مذکور هم رویه ها از پذیرش گسترده تا نفی کامل متفاوت است.

کازرونی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان "ضرورت تغییر نظام مسئولیت مدنی پزشکی در حقوق ایران با نگاهی به تحولات ایجاد شده در حقوق فرانسه در حقوق ایران" به نتایج زیر دست یافتند: دعاوی مسئولیت مدنی پزشکی بر مبنای قواعد سنتی مسئولیت مدنی حل و فصل می شود و در این باره قانونی خاص وجود ندارد.

یاباری (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان مسئولیت پزشک در نظام حقوقی ایران به نتایج زیر دست یافت: مسئولیت پزشکی، پاسخگو بودن پزشک در قبال خسارات و زیان روحی و معنوی است که به بیمار وارد می آورد و این خسارات، ناشی از انجام وظایف پزشکی است. مسئولیت پزشک در ابعاد انتظامی، کیفری، اخلاقی و مدنی قابل بررسی است. که در این نوشتار به صورت چکیده وار به آن می پردازیم. فتح بابل توسط کوروش کبیر در سال ۵۰۵ قبل از میلاد، موجب آشنایی ایرانیان با دستاوردهای پزشکی چند صد ساله بابل شد.

تقی زاده (۱۳۹۴) در پایان نامه دکتری خود تحت عنوان مسئولیت مدنی پزشک در قبال بیماران اورژانسی (با مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان) به نتایج زیر دست یافت: در این مقال، کوشش شده است تا موضوع مهمی چون مسئولیت مدنی پزشک در قبال بیماران اورژانسی (آن هم به شکلی تطبیقی) برای نخستین بار در ادبیات حقوقی کشورمان به نحو مستقل مورد بررسی قرار گیرد. جهت دستیابی به این مهم، مسئولیت مدنی پزشک در قبال بیماران اورژانسی از دو بعد مورد بررسی قرار گرفته است: الف: مسئولیت مدنی پزشک در قبال ترک نجات یا امتناع از درمان بیماران اورژانسی؛ ب: مسئولیت مدنی پزشک در ازای قصور در درمان بیماران اورژانسی. یافته های پژوهش نشان می دهد که بر اساس ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی، صرف ترک نجات جان یا امتناع از درمان بیماران اورژانسی توسط پزشک (ترک فعل) از مصادیق بارز تقصیر به شمار می آید و مسئولیت مدنی پزشک را به دنبال خواهد داشت. و چنانچه از این ترک فعل نتیجه مجرمانه ای چون فوت یا نقص عضو نیز حادث شود پزشک به دلیل سهل انگاری بر اساس مواد ۲۹۵ و ۴۵۰ ق.م.ا ضامن خواهد بود.

اباست پور (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان مسئولیت مدنی و کیفری پزشک با نگاهی به قانون جدید مجازات اسلامی به نتایج زیر دست یافت. در حقوق مسئولیت مدنی، یکی از موارد مبتلابه جامعه مسئولیت مدنی و کیفری پزشک است که در قانون مجازات اسلامی، قواعدی به آن اختصاص یافته است. در حقوق مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی اصولاً مبتنی بر نظریه تقصیر است؛ یعنی شخص هنگامی مسئول و مکلف به جبران خسارت وارده به زیان دیده شناخته می شود که تقصیر او به اثبات رسیده باشد.

خادم سربخش (۱۳۸۹) در تحقیق تحت عنوان "رفع مسئولیت مدنی پزشک با اخذ براثت از بیمار" نتایج نشان داد: نوشتار حاضر با عنایت به نظرات فقهی و با مطالعه ی رویکرد حقوق ایران و انگلستان به نقد و بررسی لزوم اخذ براثت از بیمار برای رفع مسئولیت مدنی پزشک اختصاص دارد.

احمدی (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران به مسائل زیر پرداخت. در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد مسئولیت مدنی از نظر مفهوم، ضمانت اجرا، قلمرو، هدف، با مسئولیت اخلاقی متفاوت است. برای تحقیق مسئولیت مدنی به طور کلی سه رکن، ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ورود ضرر باید وجود داشته باشد پزشکان نیز همانند دیگر افراد جامعه مسئول اعمال خود می باشند و در صورت تقصیر باید زیان وارده را جبران نمایند مسئولیت پزشکی دارای دو جنبه است.

جمع بندی

در ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی حرف پزشکی درمی یابیم که اگرچه فقها به صراحت نظریه از دست دادن فرصت بهبودی یا شفای بیمار را مطرح و بررسی نکرده اند، ولی از فحوای عبارات آن ها در خصوص مفهوم ضرر و معیار عرفی که برای سنجش امر ضرری پیش بینی کرده اند، این امر به وضوح هویدا است و با عنایت به این که در حال حاضر، عرف جامعه این قبیل فرصت ها را ارزشمند می داند و در نتیجه از دست دادن آن را نوعی ضرر تلقی می کند، بنابراین از منظر فقه اسلامی در این قبیل موارد، حرف پزشکی که سبب تقویت فرصت بهبودی بیماران خود شوند، از این حیث مسئولیت خواهند داشت و این مسئولیت ماهیتاً منصرف از مسئولیت ناشی از مرگ یا معلولیت یا تشدید بیماری و امثال آن می باشد. در حقوق کشورهای اسلامی، نظام حقوقی کامن لا و خصوصاً در نظام حقوقی فرانسه، این نظریه را در حقوق پزشکی به نحوی گسترده قابل اعمال می دانند و بر مبنای آن آرای متعددی صادر شده است؛ به طوری که یکی از مباحث بحث برانگیز مسئولیت مدنی در زمینه رابطه سببیت و مسلم بودن ضرر در این قبیل موارد بوده است. در حقوق موضوعه ایران به نظر می رسد این نظریه در مسئولیت مدنی حرف پزشکی، صرف نظر از این که آن را فرصت از دست رفته یا ایجاد خطر ناروا و تحقق یاف نظریه «از دست دادن فرصت» در صدد جبران خسارتی است که در نتیجه فوت شدن فرصت، بدست آوردن نفعی یا اجتناب از ضرری به افراد وارد می شود. راجع به قابل مطالبه بودن خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» رویه های مختلفی است. در

حقوق ایران نه قانون گذار و نه رویه قضایی گامی در جهت رسمیت شناختن این نظریه بر نداشته است. با این حال شاید بتوان به کمک قواعد فقهی از جمله (قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام) در فقه اسلامی و با استناد جستن به برخی از مواد قانون مسئولیت مدنی؛ قائل به امکان جریان این نظریه در مسئولیت مدنی، در حقوق ایران شد. در عین حال، باید توجه داشت که حتی اگر مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» به لحاظ تحلیل حقوقی با موانعی مواجه نباشد. موانع اجرای صحیح و ضابطه مند آن در نظام قضایی ایران همچنان نگران کننده به نظر می‌رسد. طرح این مسئله در مسئولیت مدنی در حقوق ایران، یک موضوع تازه‌ای است. پذیرش مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته»، هر چند عادلانه به نظر می‌رسد. در عین حال پذیرش آن در حقوق ایران با مشکلاتی مواجه است. در صورتی که موضوع «فرصت از دست رفته» را در فقه اسلامی بپذیریم. از آنجا که با عدل و انصاف هم سازگاری دارد. پذیرش این موضوع در حقوق موضوعه کشور بلاشکال قانونی است.

فرصت از دست رفته» به عنوان ضرری مستقل و سوای از زیان‌هایی در نظر گرفته می‌شود. در «فرصت از دست رفته، صحبت از زیان آینده با عدم النفع نیست. بلکه اگر نفس از «دست دادن فرصت» را ضرر بدانیم وجود ضرر بالفعل است. نه مربوط به آینده؛ «به موجب قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» هرگاه ضرری به کسی برسد باید جبران شود. گاهی ضرر مادی است و گاهی ضرر معنوی است.

راجع به قابل مطالبه بودن خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» رویه کشورهای مختلف از تنوع بالایی برخوردار است. ولیکن در حقوق ایران نه قانون گذار و نه رویه قضایی گامی در جهت به رسمیت شناختن این نظریه بر نداشته است. در عین حال، باید توجه داشت که حتی اگر مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» به لحاظ تحلیل حقوقی با مانعی مواجه نباشد، موانع اجرای صحیح و ضابطه مند آن در نظام قضایی ایران، همچنان نگران کننده به نظر می‌رسد.

این که فعل یا ترک فعل افراد، نباید موجبات اضرار دیگران را فراهم آورد. از اصول پذیرفته شده، در همه نظام های حقوقی است؛ اصلی که تبعیت از آن منتهی به شناسایی مسئولیت مدنی (قهری یا قراردادی) برای عامل زیان خواهد شد. ارکان سه گانه عنصر خسارت: ۱- وجود ضرر ۲- فعل زیانبار ۳- رابطه سببیت می‌باشد.

نظریه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» به دنبال جبران خسارت ناشی از فرصت‌های ارزشمند افراد است. این فرصت‌ها می‌تواند، منصرف از تحصیل منفعتی در آینده یا دفع ضرری در آینده باشد.

در صدد جبران خسارت ناشی از تفویت این فرصت‌های گرانقدر است. تفویت فرصت‌های پیش آمده برای افراد، مسئولیت‌زا است و عامل زیان باید از عهده جبران آن برآید. «فرصت از دست رفته» می‌تواند؛ ناظر به منافع یا ضررهای مادی یا معنوی افراد باشد. «فرصت از دست رفته» را می‌توان در دعاوی مربوط به مسئولیت حرفه‌ای وکلا، مسئولیت حرفه‌ای پزشکان، مسئولیت حرفه‌ای قضات و مسئولیت کارمندان دولت و دعاوی مربوط به محیط‌های سیاسی، تجاری، ورزشی، مسابقه بخت آزمایی یا زیبایی جستجو کرد.

خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» با عدم النفع تفاوت دارد:

دیدگاه اول: در مورد عدم النفع حصول منفعت در آینده مسلم است و تقصیر مقصر مانع ایجاد آن می‌گردد. و تنها در این فرض است که عدم النفع قابل مطالبه و جبران است. در حالی که «در از دست دادن فرصت» نسبت به نفع نهائی قطعی وجود ندارد و آنچه که از دست رفتن آن مسلم است، نفس فرصت است.

عدم النفع، در زمره ضررهای آینده است در حالیکه «فرصت از دست رفته» یک ضرر گذشته است و در واقع «فرصت از دست رفته» جزء با سپری شدن زمان معینی که امکان تحصیل منفعت در آن زمان بوده؛ میسر نخواهد بود.

عدم النفع، در تقسیم بندی حقوق دانان به عنوان یکی از خسارات مادی است. در حالی که «فرصت از دست رفته» هم در قالب ضرر معنوی و هم در قالب ضرر مادی است.

دیدگاه دوم: خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» را با ضرر نهایی خلط می‌کند. در این تحلیل اصطلاح «فرصت از دست رفته» تنها به طور صوری مورد استفاده قرار می‌گیرد و آنچه که موضوع حکم دادگاه واقع می‌شود. در واقع خسارت نهایی وارد بر زیان دیده است.

دیدگاه سوم: نفس «فرصت از دست رفته» به عنوان ضرر مستقل شناخته شده و در صورت جمع سایر ارکان مسئولیت مدنی حکم به جبران آن صادر می‌شود. این تحقیق با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش برداری می‌باشد، در نظر است «فرصت از دست رفته» در سلسله مراتب قواعد حقوقی ایران (قانون اساسی، قانون موضوعه، آیین مقررات، رویه قضایی، دکترین) و در اصول و قواعد فقه مورد بررسی قرار گیرد. نظریه عدم النفع و «فرصت از دست رفته» همواره طی قرون گذشته یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده است. علمای فقه و حقوق در راستای شناساندن مفهوم عدم النفع و «فرصت از دست رفته» و ترویج و ارتقای مسئولیت مدنی افراد تاکنون کوشیده‌اند. اولین مفهوم «فرصت از دست رفته» از مفهوم عدم النفع ممکن الحصول - عدم النفع مسلم الحصول و عدم النفع ممتنع الحصول اتخاذ شده است. روش‌های متعددی برای جبران ضرر و زیان عدم النفع به طور کلی و «فرصت از دست رفته» به طور اخص پیش‌بینی کرده‌اند. با این تعاریف در صدد کنترل و جبران ضرر و زیان و خسارت وارده زیان‌دیده هستند. نظریه‌پردازان دکترین حقوق در این مبحث، بر آن اساس هستند که راهکاری را در متون حقوقی و فقه و سپس برای تنظیم قانون و رویه قضایی پیدا کنند. در حقوق موضوعه ایران و در فقه اسلامی در خصوص این نظریه نصی دیده نمی‌شود در چارچوب فقه قاعده لاضرر است که می‌تواند ابزار مناسبی جهت توجیه جبران خسارت ناشی از تقویت فرصت است عدم توجه صریح به «فرصت‌های از دست رفته» در فقه موجب شده در حقوق موضوعه و رویه قضایی کمتر به آن توجه شود و بحث تفصیلی از مبانی و چارچوب قابل مطالبه بودن فرصت‌های تقویت شده در کتب حقوقی دیده نمی‌شود. البته برخی از حقوق‌دانان در این خصوص مطالبی را نگاشته‌اند. به نظر می‌رسد با پذیرش نظریه «از دست

دادن فرصت» بتوان با استناد به قواعد کلی و عمومی حقوق و همچنین قاعده لاضرر و برخی از اصول قانون اساسی با طرح دعوی در محاکم دادگستری از حقوق فرصت از دست رفته «خواهان دفاع کرد. م‌ته بدانیم، قابلیت اجرا دارد و با اصول کلی حقوقی و احکام مذهبی نیز مغایرتی ندارد. نظریه «فرصت از دست رفته» به دنبال جبران خسارت ناشی از تفویت فرصت‌های ارزشمند افراد است. این فرصت‌ها می‌تواند منصرف به تحصیل منفعتی در آینده یا دفع ضرری در آینده باشد. به عبارت دیگر، این نظریه، با ارج نهادن بر فرصت‌هایی که انسان‌ها در زندگی به دست می‌آورند و قراردادن آن‌ها در دامنه دارایی‌های ارزشمند انسان‌ها، درصدد جبران خسارات ناشی از تفویت این فرصت‌های گرانقدر است. به موجب این نظریه، همان‌طور که اتلاف (بالمباشره یا بالتسبیب) دارایی‌های ملموس افراد، یا سرمایه‌های عاطفی آن‌ها مسؤولیت‌زا است، تفویت فرصت‌های پیش آمده برای افراد نیز مسؤولیت‌زا بوده و عامل زیان باید از عهده جبران آن برآید.

فرصت تفویت شده می‌تواند منصرف به تحصیل منفعتی در آینده یا اجتناب از ضرری در آینده باشد، فرصتی که برای تحصیل منفعت یا دفع ضرر از دست می‌رود نیز می‌تواند ناظر به منافع یا ضررهای مادی یا معنوی افراد باشد. پیشینه طرح دعاوی مربوط به فرصت از دست رفته را در سه نوع از دعاوی می‌توان مشاهده کرد: گروه اول، دعاوی مربوط به مسؤولیت حرفه‌ای و کلا است. در این نوع دعاوی، دعاوی مطالبه خسارت ناشی از تفویت فرصت برنده شدن در دعوا علیه وکیلی طرح می‌شود که در ارائه دلایل دعوا، پیگیری دعوا و یا تسلیم به موقع دادخواست در مراجع بالاتر، مرتکب خطا یا تقصیر شده است. گروه دوم از دعاوی مربوط به سوء رفتار یا خطای پزشکی است. در این نوع دعاوی، دعاوی مطالبه خسارت ناشی از تفویت فرصت مداوای مناسب و به موقع علیه پزشکی طرح می‌شود که در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده است. گروه سوم از دعاوی، مربوط به رقابت در محیط‌های سیاسی، تجاری، ورزشی، مسابقه بخت آزمایی یا زیبایی است. در این گروه، شرکت کننده در یک رقابت، از مسؤولان برگزاری مسابقه یا هر شخص ثالثی که امکان حضور او در رقابت یا قرعه کشی را مخدوش کرده است، خسارت ناشی از تفویت فرصت برنده شدن در مسابقه را مطالبه می‌کند. همچنین نسبت به ماهیت خسارت، سه رویکرد مختلف قابل شناسایی است که از این میان دو رویکرد اول، ناشی از شناسایی نادرست موضوع خسارت در این نوع دعاوی است:

الف) رویکرد اول، خسارت ناشی از تفویت فرصت را با عدم النفع خلط می‌کند. این در حالی است که میان از دست دادن فرصت و عدم النفع، حداقل سه تفاوت وجود دارد: اولاً «در مورد عدم النفع حصول منفعت در آینده مسلم است و تقصیر خوانده مانع ایجاد آن می‌گردد و تنها در این فرض است که عدم النفع قابل جبران و مطالبه است؛ در حالی که در از دست دادن فرصت، نسبت به نفع نهایی، قطعیتی وجود ندارد و آنچه از دست رفتن آن مسلم است، نفس «فرصت» است. ثانیاً عدم النفع در زمره ضررهای آینده است، در حالی که «فرصت از دست رفته» یک ضرر گذشته است و در واقع، تفویت فرصت جز با سپری

شدن زمان معینی که امکان تحصیل منفعت در آن زمان ممکن بوده، میسر نخواهد بود. ثالثاً عدم النفع در تقسیم‌بندی حقوقدانان به عنوان یکی از خسارات مادی معرفی می‌شود (ماده ۵ و ۶ قانون مدنی)، در حالی که همان گونه که اشاره گردید، «فرصت از دست رفته» می‌تواند هم در قالب ضرر معنوی و هم ضرر مادی طرح شود.

ب) رویکرد دوم، خسارت ناشی از فرصت از دست رفته را با ضرر نهایی خلط می‌کند. در این تحلیل، اصطلاح «فرصت از دست رفته» تنها به طور صوری مورد استفاده قرار می‌گیرد و آنچه موضوع حکم دادگاه واقع می‌شود، در واقع خسارت نهایی وارد به زیان دیده است.

ج) در رویکرد سوم، نفس فرصت از دست رفته به عنوان ضرر مستقل شناخته شده و در صورت جمع سایر ارکان مسئولیت مدنی، حکم به جبران آن صادر می‌شود.

قبل از بررسی نظریه «از دست دادن فرصت» در نظام حقوقی ایران، رویکرد اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی را به نظریه «از دست دادن فرصت» اجمالاً مورد توجه قرار می‌دهیم. ماده ۳، ۴، ۷ این اصول بیان می‌دارد:

حکم به جبران خسارت تنها برای ضرری (از جمله ضرر آینده) صادر می‌شود که با درجه تعارفی از قطعیت، احراز شده باشد.

نسبت به «از دست دادن فرصت» متناسب با احتمال حدوث واقعه، می‌توان حکم به جبران خسارت داد. در مواردی که میزان خسارت با درجه کافی از قطعیت قابل تعیین نیست، ارزیابی خسارت به تشخیص دادگاه خواهد بود.

به نظر مفسران، این ماده درصدد جداکردن خسارت آینده از خسارت ناشی از فرصت از دست رفته است: پاراگراف اول ماده فوق، زمینه جبران خسارت آینده را به شرط مسلم بودن، فراهم می‌کند و پاراگراف دوم، خسارت ناشی از فرصت از دست رفته را به عنوان خسارت قابل جبران به رسمیت می‌شناسد؛ خسارتی که منطقاً باید معادل درصدی از خسارت نهایی یا نفع نهایی باشد و نه همه. به نظر مفسران، پاراگراف سوم این ماده نیز منصرف به تعیین میزان خسارت در اکثر دعاوی مربوط به جبران خسارت ناشی از فرصت از دست رفته است که در آن‌ها نسبت به میزان خسارت وارد به خواهان قطعیتی وجود ندارد. در این گونه موارد از محاکم خواسته می‌شود که به جای اتخاذ رویکردی که منتهی به جبران کل خسارت وارد به زیان دیده یا عدم جبران هرگونه خسارت شود، با در نظر گرفتن شرایط هر پرونده، میزان خسارت را به صورت منصفانه تعیین کنند و حکم به جبران آن بدهند.

درخصوص این نظریه، نه در حقوق موضوعه ایران و نه در فقه اسلامی نصی دیده نمی‌شود. در چارچوب فقه، قاعده لاضرر می‌تواند ابزار مناسبی جهت توجیه جبران خسارت ناشی از تقویت فرصت باشد. در واقع مفهوم ضرر در فقه محدود به نوع خاصی از ضرر مانند شخصی، ضرر مادی یا ضرر معنوی نمی‌شود، بلکه به نظر فقها «ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است» همچنین اگر چه در زمینه تفسیر

قاعده لاضرر میان فقها اختلاف نظر وجود دارد ولی به طور کلی می‌توان ادعا کرد که مفاد قاعده لاضرر متضمن این معنا است که در روابط اجتماعی، رفتاری که منتهی به ورود ضرری نامتعارف به افراد شود، مورد تأیید شارع قرار نمی‌گیرد. لذا از آن جا که قاعده لاضرر تنها به نفی حکم ضرری اکتفا می‌کند و تعیین مصادیق ضرر و موضوع حکم را به عهده عرف می‌گذارد، هرگاه از دست دادن فرصت، عرفاً ضرر تلقی شود، به شرط احراز سایر ارکان مسئولیت، علی‌الاصول قابل جبران خواهد بود.

همچنین ادعا شده است که برخی خسارات پیش بینی شده در فقه، در چارچوب نظریه «فرصت از دست رفته» قابل توجیه هستند. برای مثال، ادعا شده است که در دو عقد مضاربه و جعاله، هرگاه مضارب یا جاعل عقد را فسخ کند، در حالی که طرف قرارداد اقداماتی را که احتمال به دست آوردن سود در آن هست، شروع کرده باشد، فسخ کننده قرارداد باید از عهده خسارتی معادل ارزش کاری که از دست رفته است (اجره المثل اعمالی که انجام شده است) بر آید. به نظر برخی حقوقدانان، این پرداخت غرامت می‌تواند در چارچوب نظریه «فرصت از دست رفته» توجیه شود. به مثال‌های فوق این ایراد وارد است که پرداخت اجره المثل به این افراد می‌تواند از باب استفاده بلاجهت از عمل دیگری یا استیفا باشد، نه از باب جبران خسارت ناشی از زایل شدن فرصت تحصیل منفعت. مثال دیگر فقهی مربوط به ضمان منافع حر است. به نظر برخی از فقها، حبس کننده انسان حر بخصوص اگر فرد کسوب باشد، ضامن منافع تفویض شده او در زمان حبس است. چنین خسارتی، در عین این که می‌تواند در قلمرو معنای اعم از عدم النفع مسلم بگنجد، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از تفویض فرصت کسب منفعت توسط فردی تلقی شود که در صورت آزاد بودن به احتمال قوی، فرصت کسب درآمد داشته و حبس او این فرصت را از بین برده است. چنین تفسیری می‌تواند نشان دهنده تمایل فقهی به جبران خسارت ناشی از تفویض فرصت باشد، البته فرصتی که قابل اعتنا بوده و عرفاً ارزشمند تلقی گردد.

عدم توجه گسترده و صریح به فرصت‌های تفویض شده در فقه، هم به حقوق موضوعه و هم به رویه قضایی ایران سرایت کرده است. بحث تفصیلی از مبانی و چارچوب قابل مطالبه بودن فرصت‌های تفویض شده، در کتب حقوقی دیده نمی‌شود. از میان حقوقدانانی که به این بحث پرداخته اند، برخی صرف از دست دادن فرصت را عرفاً ضرر مسلم مادی محسوب نمی‌کنند و آن را قابل مطالبه نمی‌دانند. به نظر این گروه، خسارت ناشی از فرصت تفویض شده، تنها در قالب ضرر معنوی قابل مطالبه خواهد بود. برخی از حقوقدانان، فرض مسأله را به سه شق تقسیم می‌کنند: هرگاه امکان استفاده از فرصتی عرفاً ارزش خاص داشته باشد، مانند بلیت بخت آزمایی، از بین بردن آن، ضرر مسلم و قابل مطالبه است. همچنین اگر ثابت شود که از دست دادن فرصت، موجب ضرر معنوی می‌شود، در قالب ضرر معنوی قابل مطالبه خواهد بود. بجز دو مورد فوق، فرصت از دست رفته قابل جبران شناخته نشده است شایان ذکر است که این دسته از حقوقدانان، در عین حال با تأیید اینکه عدم پذیرش مسئولیت ناشی از تفویض فرصت مداوا در خطاهای پزشکی نتیجه غیر عادلانه‌ای به همراه می‌آورد، استفاده از نظریه خطر را در این حوزه از مسئولیت

مناسب‌تر تشخیص می‌دهند از نظر برخی حقوقدانان، تفکیک میان شقوق مختلف قضیه ضرورتی ندارد و در هر مورد که عرف، «فرصت از دست رفته» را دارای ارزش بدانند و فقدان آن را ضرر (اعم از مادی یا معنوی) تلقی کند، دیگر در قابل جبران بودن آن نباید تردید کرد نهایتاً ادعا شده است که مناسب‌ترین روش برای جبران خسارات ناشی از فرصت از دست رفته، استناد به تئوری‌های موجود در اجتماع اسباب در مسئولیت مدنی است. به این ترتیب، در فرضی که فرصت از دست رفته، در کنار سایر اسباب منتهی به حصول ضرر نهایی شده است، می‌توان با کمک گرفتن از نظریه برابری اسباب، فرصت از دست رفته را نیز به عنوان یکی از اسباب شناخت و بخشی از خسارت را به عامل تقویت فرصت نسبت داد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب فارسی:

- اباست پور، علی (۱۳۹۴) مسئولیت مدنی و کیفری پزشک با نگاهی به قانون جدید مجازات اسلامی، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- احمدی، علی (۱۳۷۸) مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- احمدی، حامد (۱۳۹۱)، جزوه درس مسئولیت مدنی، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- آقا بابایی، حسین (۱۳۸۷)، جزوه درس مسئولیت مدنی، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- آقا بابایی، حامد (۱۳۹۲)، مسئولیت درامور حرفه ای، پایان نامه دوره دکتری، تهران: دوره دکتری، دانشگاه تهران
- آقایان، حسین (۱۳۹۵)، جزوه درس مسئولیت مدنی، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بهرامی، الهام (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی کادر درمان، تهران: کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- تقی زاده، علی (۱۳۹۴) مسئولیت مدنی پزشک در قبال بیماران اورژانسی (با مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان)، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بابایی مقدم، عابدین (۱۳۸۴)، بررسی وجوه تمایز بین خسارات زیست محیطی و سایر خسارات، ارائه شده در درس مسئولیت مدنی زیست محیطی، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، مبانی و ساختار، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد (مترجم) (۱۳۸۱)، نهج البلاغه، تهران: انتشارات حضور.
- رسولی، بلال (۱۳۹۲)، قراردادهای دولتی در حوزه پزشکی، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فلاح، محسن (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی پرستاران در حقوق ایران و فرانسه، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۰)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: نشر میزان.
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۵)، مقالات درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان.

- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۳)، مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری مهدی (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، تهران: فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، حقوق مدنی، (ضمان قهری)، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران: نشر یلدا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، وقایع حقوقی، تهران: نشر یلدا.
- کازرونی، حامد (۱۳۹۵) ضرورت تغییر نظام مسئولیت مدنی پزشکی در حقوق ایران با نگاهی به تحولات ایجاد شده در حقوق فرانسه در حقوق ایران
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، وقایع حقوقی، تهران: انتشارات دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، تهران: انتشارات برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- وحدتی شبیری (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.
- شم آبادی، حسن (۱۳۹۵) مسئولیت مدنی تقویت فرصت در حقوق ایران، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- خادم سربخش، علی (۱۳۸۹) رفع مسئولیت مدنی پزشک با اخذ برائت از بیمار، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام

کتاب عربی:

- آملی، محمدتقی (۱۴۱۳ هـ ق)، کتاب الصلوة، تقریرات درس مرحوم محقق داماد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۲ هـ ق)، مجمع الفائدة البرهان، تصحیح مجتبی عراقی و علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی اصفهانی، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- جعی عاملی، زین‌الدین ابن علی (شهید ثانی) (بی‌تا)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن ابن علی (۱۴۰۹ هـ ق)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۵، باب ۸.
- الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ هـ ق)، العناوین الفقهیة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد (۱۴۱۹ هـ ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، تحقیق محمدباقر مجلسی، تهران: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد (ابن ادريس) (۱۴۱۰ هـ ق)، السرائر، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- حلی، یوسف بن محمد (۱۴۲۰ هـ ق)، تذکره العلماء، تهران، موسسه نشر اسلامی
- حلی، یوسف بن محمد (۱۴۱۷ هـ ق)، تحریر الاحکام، تهران، موسسه نشر اسلامی
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۰ هـ ق)، بحوث فی شرح العروه الوثقی، بیروت، مجمع الشهد آیت الله الصدر العالمی.
- طوسی، ابوجعفر (بی تا)، نهایه الاحکام، قم: انتشارات قدس محمدی.
- فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ هـ ق)، الوافی فی اصول الفقه، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ هـ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البیت.
- مدرس، سید حسن (۱۴۰۸ هـ ق)، الرسائل الفقهیه، تهران: ستاد بزرگداشت پنجاهمین سال گرد شهید سید حسن مدرس.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ هـ ق)، القواعد الفقهیه، قم: نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- موسوی الخویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ هـ ق)، مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، قم: انصاریان.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیخ عباس قمی قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هیثم، محمد (۲۰۰۴)، المسئولیه عن تعویض اضرار تلوث البیئه فی القانون، دراسه مقارنه، جامعه العدن، کلیه الحقوق.

کتاب لاتین:

- ___ European commission, 2002, Proposed Eu Directive on Environmental liability ,at-http, eur-lex europa .
- ___ Nasr. S. H.1968,The Encounter of Man and Nature ,London; George Allen and Unwin Ltd .
- ___ Prieur, Miechel.2004 ,Droit de l'environnement ,Paris: DallozUliescu, Marilena , 1993" Laresponsabilitépourles dommagesécologiques"\ RevueInternationale de Droit Compar